

متن پرسش

سلام خدمت استاد طاهرزاده: با مطالعه کتاب «اسماء حسنا دریچه های نظر به حق»، هنوز یک سؤال برای بنده باقی است. اگر از طریق فرازهای این دعا و با نظر به اسماء الهی، خدا با نور اسماء خودش بر قلب تجلی می کند، چه نیازی هست که در «مظاهر» به دنبال آن اسماء باشیم؟ مثلاً وقتی با تقاضای «اللهم انی اسئلك من جمالك» ذاتِ جمالی او در قلب تجلی می کند و قلب با استعداد ذات بینی اش با نور جمال رو برو می شود، دیگر چه نیازی هست جمال او را در گُل مشاهده کنیم؟ قرار بود از خدای ذهنی و انتزاعی عبور کنیم. حالا از طریق این دعا و تقاضا، نور اسماء الهی به صورت حضوری و وجودی در قلب جلوه کرده. دیگر چه نیازی هست برای عبور از خدای متافیزیک و ذهنی به مظاهر مراجعه کنیم؟ هنوز برایم ابهام دارد که: باید به مظاهر و مجالی و روشنی گاه ها مراجعه کنیم تا با انوار الهی مرتبط شویم، یا برعکس، باید نور اسماء در قلب تجلی کند تا آن ها را در مظاهر مشاهده کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً چون می‌خواهیم از خدای ذهنی عبور کنیم و به حضرت محبوب نظر نماییم؛ به دنبال او در مظاهری که خود را می‌نمایاند، می‌گردیم و در همین رابطه در فرازهای دعای سحر، او را با واژه «اللهم» یاد می‌کنیم و به جمال اش در اجمل و جمیل‌ترین مظهر که اولیای الهی باشند، نظر می‌اندازیم و سپس منتقل می‌شویم به حضوری که در آینه‌ای از جمال او به واقع اشاره به نهایی‌ترین جمال دارد و به همین جهت باز از طریق آینه‌ها با او مرتبط هستیم و قلب، در حکایتی که با اسماء الهی از طریق مظاهر پیدا کرده است به خود می‌آید و با خود به سر می‌برد. موفق باشید